

فلسفه‌ی وجودی شیطان از منظر آیات قرآن

پریسا مرشدی بینا^۱

چکیده

ماجرای دشمنی شیطان با انسان‌ها، از ابتدای خلقت بشر بوده است. درست زمانی که حضرت آدم و حوا خلق شدند و آیه‌ی مبارکه‌ی «فتبارک الله احسن الخالقین» نازل گشت و به دنبال آن فرمان سجده‌ی تمام ملائکه بر انسان صادر شد و شیطان تنها متجری این فرمان بود. این سوال همواره مطرح بوده است که چرا چنین موجود شروری که مانعی بر سر راه معنویت و سعادت انسان است، آفریده شده و به وجود آمدن او چه سودی داشته است؟ محقق در این نوشتار به بررسی فلسفه‌ی وجودی شیطان از منظر آیات قرآن کریم پرداخته و در اینگونه به این سوال پاسخ داده است که وجود شیطان سبب ظهور برخی صفات جمالیه و جلالیه‌ی خداوند می شود و نیز قدرت خداوند را در آفرینش موجودات متضاد به منصه‌ی ظهور می رساند؛ هم چنین وجود شیطان موجب شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان ها می شود. از آنجا که فهم فلسفه وجود شیطان نیاز به بررسی منابع اولیه همچون قرآن و منابع روایی است لذا این پژوهش با بررسی منابع تحقیقی علت خلقت اولیه شیطان را بررسی کرده است.

کلیدواژه: انسان، خداوند، شیطان.

مقدمه

وقتی که انسان این همه سفارش‌ها دینی را جهت حرکت در راه خدا مشاهده می‌کند و از سویی می‌فهمد که شیطان مانعی جدی بر سر راه حرکت به سوی خداست. با این سوال مواجه می‌شود که چرا موجودی به نام شیطان در سر این راه قرار دارد؟ و چرا این همه امکانات و نیرو در اختیار اوست؟ و چرا اصلاً خلق شد و بعد از سرکشی به او مهلت داده شد؟ این‌ها مجموعه سوالاتی است که به عنوان فلسفه وجودی شیطان یا فلسفه خلقت او در ذهن انسان وجود دارد. اهمیت این مسئله از آن جهت است که انسان برای زندگی در این دنیا باید هم عوامل موثر در زندگی خود را از زاویه‌های گوناگون بشناسد؛ و شیطان یکی از موجوداتی است که در زندگی انسان‌ها نقش ویژه‌ای دارد و بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن بشر به شمار می‌رود. پس فلسفه وجودی شیطان این است که وسیله‌ای باشد برای امتحان و آزمایش انسان‌ها و سنگ محکی باشد برای تعیین عیار ایمان آن‌ها.

باتوجه به بررسی‌های انجام شده پیرامون این موضوع، در مورد اصل شیطان شناسی تحقیقات مختلفی و بسیاری انجام شده است. اما در مورد این عنوان خاص یعنی فلسفه وجودی شیطان تنها یک کتاب یافت شد. کتاب فلسفه وجودی شیطان از مصطفی سلیمانیان منتشر شده در سال ۱۳۹۴ و پیرامون این عنوان در تفسیر ذیل آیاتی که پیرامون ابلیس و شیطان است. به فلسفه وجودی شیطان اشاره شده؛ و در این زمینه میتوان به مقالاتی چون: الف) دشمن قسم خورده و راهکارهای مقابله با آن از عبدالله حاجی صادقی منتشر شده در سال ۱۳۸۶ ب) زمینه‌های نفوذ شیطان از زهرا کشمیری منتشر شده در سال ۱۳۸۴ را نام برد. مقاله‌ای با عنوان فلسفه وجودی شیطان یافت نشد.

محقق در این مقاله پس از مفهوم شناسی واژه‌های اصلی به فلسفه وجودی شیطان در رابطه با خداوند، انسان‌ها و فلسفه مستقل وجود شیطان را از منظر آیات قرآن مورد بررسی قرار داده است.

۱- مفهوم شناسی

برای تفهیم صحیح مطالب لازم است معنای کلماتی که در این مقاله نقش مهمی برای انتقال مفهوم به مخاطبان دارد بررسی شود.

شیطان در لغت

در علم لغت و در زبان عربی شیطان از (شطن) گرفته شده است و به معنای دور شدن است الشَّيْطَان به معنای دور شده از رحمت حق آمده و نیز گفته‌اند حرف (ن) در شیطان زیادی است و ریشه آن (شاط یشیط) است. یعنی از خشم سوخت، گرفته شده، پس شیطان مخلوطی است از آتش که از شدت نیروی غضب و حمیت غلط و ناپسندش به آن اختصاص یافت و از سجده به آدم بازماند و خودداری کرد. در عربی «شیطان» اسم عام (اسم جنس) است، در حالی که «ابلیس» (کسی که آدم را فریب داده است) اسم خاص (عَلَم) می باشد. به عبارت دیگر شیطان به هر موجود موذی و منحرف کننده و یاغی و سرکش، خواه آدمی یا غیرآدمی می گویند. در زبان فارسی شیطان به معنای: «نافرمان، متمرّد»^۲ آمده است. و در فرهنگ عمید به معنای: «روح پلید و خبیث، متمرّد، نافرمان، دیو، اهریمن، در اسلام، فرشته ای که چون از فرمان الهی در سجده کردن آدم خودداری کرد از بهشت رانده شد و به گمراه ساختن آدمیان پرداخت، ابلیس»^۳

شیطان در اصطلاح

و در اصطلاح شیطان به هر موجود طغیانگر و دور از رحمت خداوند متعال که کارش وسوسه خلق و دعوت آنان به بدیها است اطلاق می گردد؛ چنان که بر موجود سرکش و متمرّد معروف؛ یعنی ابلیس که از سجده بر حضرت آدم (علیه السلام) سر باز زد و نیز بر فرزندان او که از جنس جن می باشند اطلاق می شود.^۴

۱- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۳۲۶

۲- دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۲۶۹

۳- عمید، فرهنگ عمید، ج ۴، ص ۳۶۵

۴- دانش نامه اسلامی

۲- فلسفه‌ی وجودی شیطان از منظر آیات قرآن

در ادامه باتوجه به آیات قرآن فلسفه‌ی وجودی شیطان را از جهات گوناگونی چون: فلسفه‌ی وجودی شیطان در رابطه با خداوند، انسان‌ها و فلسفه‌ی مستقل وجود شیطان به صورت مختصر بیان می‌گردد.

۲-۱- فلسفه‌ی وجودی شیطان در رابطه با خداوند

هر یک از موجودات این جهان، به نوعی نشانه‌ای از صفات خداوند متعال هستند. و یکی از اهداف خلقت جهان هستی، شناخت خدای متعال است. حال برخی از اندیشمندان اسلامی فلسفه‌ی وجودی شیطان در رابطه با خداوند را بروز صفات رحمانیه و قهریه‌ی خداوند دانسته‌اند.

۱-۱-۲- ظهور اسمای قهریه الهی

همه‌ی عالم نشانه‌ها و تجلیات صفات الهی‌اند؛ پس باید موجوداتی باشند که یا نشان صفات جلالی و قهریه‌ی (صفاتی مانند: قهار، منتقم، عدل، شدیدالعقاب، ذی‌البطش الشدید، سریع الحساب، خافض، و...) الهی باشند و یا اسباب ظهور این اسمای قهریه را فراهم آورند. تا قهاریت خداوند (به معنای غالب شدن، پیروز گشتن و سیطره داشتن بر موجودات) نمایان شود و شیطان با گمراه شدن خودش و گمراه کردن دیگران زمینه‌ی ظهور این اسماء قهریه را فراهم آورده است. بنابراین می‌توان گفت: آن وقت که شیطان عبادت کرد و واعظ ملائکه شد. اسمای رافع و معز الهی درباره‌ی او ظهور کرد؛ و آن وقت که استکبار کرد و هبوط کرد. اسمای خافض و مضل الهی درباره‌ی او ظهور کرد و با گمراه شدن اقوام توسط شیاطین و نزول انواع عذاب‌ها و قسمتی دیگر از اسمای قهریه ظاهر شد. اگر ابلیس نبود. قوم نوح و قوم هود کافر نمی‌شدند. و فرعون استکبار نمی‌کرد و ید بیضا و عصای موسی ظاهر نمی‌گشت.^۱

لذا خداوند در قرآن کریم فرموده است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲ «بگو:

۱- سبزواری، شرح منظومه، ص ۹۸

۲- آل عمران: ۲۶

«بارالها! مالک حکومت‌ها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری» خداوند هر که را که از یاد و عبادت خدا و فرمانش سرباز زد خوار نموده است. چنانچه شیطان را پس از سجده ننمودن بر انسان خوار نمود و از درگاهش راند. و یا او فرعون، قارون، هامان، ابولهب و ابوجهل و مانند آن‌ها را در دنیا خوار گرداند.^۱

۲-۱-۲- ظهور اسمای رحمانیه‌ی الهی

یکی از صفات خداوند رحمان و رحیم بودن است. و در حدود صد مورد به غیر از شروع آیات قرآن، به‌طور مستقیم در قرآن کریم به رحمان و رحیم بودن خداوند اشاره شده است. مانند: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»^۲ «بخشنده و مهربان است»، کلمه‌ی رحمن به معنای مبالغه و شدت در رحمت و گستردگی آن است. از کاربرد دو صفت رحمن و رحیم در قرآن، استفاده می‌شود که رحمانیت درباره‌ی همه‌ی مخلوقات و رحیم بودن، مربوط به انسان و موجودات مکلف است.^۳ تکرار کلمه‌ی (الرحمن الرحیم)، لطف مخصوصی دارد و آن این که ربوبیت حق از جهت قهر و غلبه و فشار بر موجودات نیست بلکه از جهت دو رحمت عام و خاص است که موجودات در پرتو این دو نوع رحمت پرورش می‌یابند و هر مربی و معلم و حاکمی آن گاه تربیتش بشمر میرسد که با مهر و محبت باشد و نظام تربیت خلق با خالق و انسان و جهان هم آهنگ شود.^۴

اندیشمندان و مفسران از فلسفه‌های وجود شیطان ظهور آثار اسمای رحمانیه‌ی الهی دانسته‌اند. به گونه‌ای که اگر بدی‌هایی که باعث ظهور آثار این اسما می‌شوند خلق نمی‌شدند. این حکمت‌ها و فایده‌ها از بین می‌رفت. پیامبر اکرم فرمود: «اگر شماها گناه نکنید. خداوند

۱- مقاله المعز والمذل از محمدباقر جزایری

۲- حمد: ۳

۳- قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۱۲

۴- طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۲۵

۴-۲- فلسفه‌ی وجودی شیطان به صورت مستقل

مطالب این قسمت فلسفه‌ی وجودی شیطان را به طور مستقل (فی‌نفسه) و بدون در نظر گرفتن دیگری (خداوند انسان‌ها) و بدون مقایسه با آن‌ها بررسی می‌کند.

یکی از نکات دقیقی که درباره‌ی گمراهی شیطان وجود دارد. این است که خداوند وی را به صورت شیطان (گمراه) نیافرید. بلکه او هم یکی از افراد جن بود که دارای فطرتی پاک آفریده شد. و نشانه‌ی آن همان عبادت طولانی اوست که بعداً با توجه به نظام اختیار (که در جتیان هم وجود دارد راه منفی را انتخاب کرد و به استکبار و معصیت پرداخت و از امکاناتی که خداوند در اختیارش قرار داده بود سوءاستفاده کرد. پس اشکالی درباره‌ی گمراهی او متوجه خداوند نیست تا سوال شود: چرا او به این صورت خلق شده است؟ و این مانند نظام اختیاری است که در بین انسان‌ها وجود دارد و گمراهی آن‌ها متوجه خودشان است، چنانچه در قرآن کریم بدین مطلب اشاره شده است: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۱ «هر چه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از خودِ توست، و ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم، و تنها گواهی خدا کافی است.» در بینش الهی، همه چیز مخلوق خداست «اللَّهُ احسن کلّ شیء»^۲ و خداوند، همه چیز را نیک آفریده است. آنچه به خداوند مربوط است،

آفرینش است که از حُسن جدا نیست و ناگواری‌ها و گرفتاری‌های ما، اولاً فقدان آن کمالات است که مخلوق خدا نیست، ثانیاً آنچه سبب محرومیت از خیرات الهی است، کردار فرد یا جامعه است. به تعبیر یکی از علما، زمین که به دور خورشید می‌گردد، همواره قسمتی که رو به خورشید است، روشن است و اگر طرف دیگر تاریک است، چون پشت به خورشید کرده و گرنه خورشید، همواره نور می‌دهد. بنابراین می‌توان به زمین گفت: ای زمین هر کجای تو روشن است از خورشید است و هر کجای تو تاریک است از خودت می‌باشد. در این آیه نیز به انسان خطاب شده که هر نیکی به تو رسد از خداست و هر بدی به تو رسد از خودت

۱- نسا: ۷۹

۲- سجده: ۷

است.^۱ این مطلب در مورد جنیان که مانند انسان از قدرت اختیار برخوردار هستند صادق هست. چنانچه جنیان مانند انسان‌ها به کافر و مسلمان تقسیم شده اند. باید توجه داشت که هدف از آفرینش شیطان عبادت خداوند است. اما از آن‌جا که شیطان مانند انسان آزاد است. به اختیار خود عبادت را ترک کرد و عصیان و نافرمانی پروردگار را انتخاب کرد. پس شیطان از روز اول. خلقتی پاک داشت و انحراف انحطاط و شیطنت را با اراده و خواست خویش برگزید. پس شیطان هم می‌توانست از امکانات مثبتی مثل عقل و فهم که در اختیار اوست. استفاده‌ی درست را ببرد و راه خیر و تقوا را پیش بگیرد.^۲ خود شیطان هم درگفت وگویی با حضرت یحیی اعتراف کرد که من خودم بدی‌ها را انتخاب کردم: «ابلیس گفت: خداوند شادی و حزن و حلال و حرام را خلق کرد و مرا در بین آن‌ها مخیر کردانید و من شهوات و شادی و بدی و حرام را انتخاب کردم و همین آرزو و امید من شد»^۳

۱- قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۵۹

۲- علیزاده، بر ساحل اندیشه، ص ۹۰

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۵۵۳

نتیجه گیری

شیطان موجودی واقعی است که از جنس جنیان است. و از آتش خلق شده است. در ابتدای خلقتش با اختیاری خداوند به جنیان داده بود، او راه بندگی خداوند را انتخاب نمود و در راه بسیار پیشرفت نمود تاجایی که هم ردیف ملائکه الهی در طبقه‌ی هفتم عرش قرار گرفت. اما او در یک مورد بندگی خدا را نکرد و بر انسان که اشرف مخلوقات خداوند یکتا بود. سجده نکرد. و از آن پس نیز با اختیار خود راه دشمنی با خداوند و انسان‌ها را در پیش گرفت خداوند هم که از خلقت انسان هدف داشت. به او وقت داد تا یوم المعلوم که عده‌ای از مفسرین از آن به قیامت تعبیر نموده اند.

فلسفه و هدف خداوند از خلقت شیطان در رابطه با خودش این است که باعث ظهور برخی صفات جمالی و جلالی خداوند می‌شود و قدرت خداوند را در آفرینش موجودات متضاد به منصفی ظهور و بروز می‌رساند. از جمله فایده‌های وجود شیطان‌ها در بین انسان‌ها این است که باعث آزمایش شدن انسان‌ها شکوفا شدن استعدادها و مختلف آن‌ها مثل: عبادت مودن، شکر گزاری، پناه بردن به خداوند و... می‌شوند. و این گونه نزد خداوند در دو دنیا مقام و منزلت بالایی پیدا می‌کنند. و نیز وجود او برای آزمایش انسان‌هاست. چون نیات دورنیه و صفات درونی انسان‌ها در مشکلات و سختی‌ها مشخص می‌شود. در ضمن باید به این نکته توجه داشت که شیطان هیچ‌گاه نمی‌تواند انسان را مجبور به گناه کند و سلطه‌ی او فقط در حد وسوسه است.

و فلسفه‌ی وجودی شیطان به صورت مستقل آن است که خداوند او را گمراه نیافریده و او به اختیار خود معصیت کرده و همچنین خداوند این اختیار را به انسان هم داده که مسیر سعادت را انتخاب کند یا معصیت. و در آیات ب این اختیار انسان و شیطان اشاره شده است.

منابع

*قرآن (مکارم شیرازی)

*نهج البلاغه (دستی)

(۱) آشقر، عمر سلیمان، **عالم جن و شیاطین**، اردن، دارالتفائس، چاپ یازدهم، ۱۴۱۹ ه.ق

(۲) بیستونی، مهدی، **تفسیر علامه : جن و شیطان**، مفتاح دانش، تهران، چاپ

اول، ۱۳۸۸ ه.ش

(۳) جعفری، یعقوب، **تفسیر کوثر**، موسسه انتشارات هجرت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۶

ه.ش

(۴) حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، دار التفسیر، تهران، چاپ

ششم، ۱۳۸۳ ه.ش

(۵) دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ه.ش

(۶) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، مرتضوی، تهران، چاپ

چهارم، ۱۳۸۸ ه.ش

(۷) سبزواری، هادی، **شرح منظومه**، تعلیقه حسن حسن زاده آملی، قم، نشر ناب، چاپ

پنجم، ۱۳۸۴ ه.ش

(۸) طالقانی، محمود، **پرتوی از قرآن**، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۰ ه.ش

(۹) طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش

(۱۰) علیزاده، اکبر، **بر ساحل اندیشه**، قم موسسه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش

- (۱۱) عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳. ش
- (۱۲) قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵. ش
- (۱۳) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، (ترجمه کمره ای)، اسلامیه، تهران، ۱۴۱۵ ه. ق.
- (۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش.
- (۱۵) معین، محمد، فرهنگ معین، زرین، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲. ش
- (۱۶) نصری، عبدای، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران، دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۴. ش

***سایت‌ها**

(۱) دانش‌نامه اسلامی [/https://wiki.ahlolbait.com](https://wiki.ahlolbait.com)

***مقالات**

- (۱) مقاله المعز والمذل از محمدباقر جزایری
<http://ensani.ir/fa/article/46558/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B9%D8%B2-%D9%88-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B0%D9%84>